

نسخه اقتصاد
را در دست بگیرید

بخار سوت

سهم بورس از تامین مالی تولید (درصد)

دولت پزشکیان
دوره مدیریت صیدی در بورس

دولت شهید رئیسی

۲۱

۱۹

۱۴

۱۴۰۲

۱۴۰۳

۱۴۰۴

سقوط سهم بازار سرمایه در تامین مالی تولید
از ۲۱ به ۱۴ درصد در دوره حجت الله صیدی

پشت پای بورس به بخش تولید

رئییسی به ۲۱ درصد رسیده بود، در دو سال اخیر در دولت پزشکیان سقوط کرده است. سهم بورس از تامین مالی تولید در سال ۱۴۰۳ به ۱۹ درصد و در سال ۱۴۰۴ با کاهش چشمگیری به ۱۴ درصد رسید.

بر اساس آمارهای اعلامی از سوی مدیریت پژوهش سازمان بورس و اوراق بهادار وزارت اقتصاد، سهم بازار سرمایه (بورس) از کل تامین مالی تولید در حالی که در سال ۱۴۰۲ یعنی سال پایانی دولت شهید

سال	کل تسهیلات بانک (همت)	کل تامین مالی از بازار سرمایه (همت)	مجموع تامین مالی اقتصاد ایران (همت)	سهم نظام بانکی درصد	سهم بازار سرمایه درصد
۱۴۰۴	۱۰۵۸۷	۱۷۴۶	۱۲۳۲۴	۸۶	۱۴
۱۴۰۳	۷۶۶۴	۱۸۳۵	۹۴۹۹	۸۱	۱۹
۱۴۰۲	۵۶۴۶	۱۵۴۶	۷۱۹۲	۷۹	۲۱

توضیح: ارقام بازار سرمایه مشتمل بر روش های تامین مالی سرمایه ای شامل عرضه اولیه ها + افزایش سرمایه و ... و بدهی است.

داغ میناب تازه شد

اعضای پیکر مطهر ۳۴ تن از شهدای شناسایی شده مدرسه شجره طیبه میناب توسط مردم شهید پرور تشییع شد.
در این مراسم ۶۸ قطعه از اعضای تازه تفحص شده شهدای مدرسه شجره طیبه میناب تشییع و به خاک سپرده شد.
این اعضا متعلق به ۳۴ شهید است که پس از تایید هویت با آزمایش های تخصصی ژنتیک (DNA) شناسایی شد و پس از تشییع برای خاکسپاری به گلزار شهدای میناب منتقل شدند. ۹ اسفند سال گذشته در حمله هوایی دشمن تروریستی آمریکا به مدرسه شجره طیبه میناب ۱۶۸ تن از جمله ۱۲۰ دانش آموز به شهادت رسیدند.

مراسم تشییع و بدرقه شهدای مظلوم مدرسه شجره طیبه میناب

مراکز هتلهای میناب

هشدار قرارگاه خاتم الانبیاء به آمریکای جنایتکار در مورد حمله به مراکز هسته ای ایران

قرارگاه مرکزی حضرت خاتم الانبیاء به آمریکای جنایتکار در مورد تهدید حمله به مراکز هسته ای و حساس ایران اسلامی هشدار داد.
قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء^(ع) اعلام کرد: «آمریکای جنایتکار مراکز هسته ای و حساس ایران اسلامی را تهدید به حمله نموده است.»
قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء^(ع) افزود: «اعلام می گردد چنانچه ارتش متجاوز و تروریست آن کشور وارد چنین مرحله ای بشود، آن را به عنوان توسعه جنگ در منطقه می دانیم و همه منافع آمریکا، هم پیمانان و حامیان آن کشور یاعی و شرور، هدف هجوم قدرتمند نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار خواهند گرفت.»

تنگه هرمز ضامن پیروزی ایران در برابر دشمن است

یادداشت

در کنار آن، معمولاً مواد غذایی و دارو مشکل چندانی برای عبور از محاصره دریایی ندارند. از سوی دیگر، اگر مشکلی هم برای عبور کالاهای اساسی ایران از محاصره دریایی ایجاد شود؛ قطعاً راه های جایگزین فراوانی از جمله مسیرهای زمینی چین و روسیه را داریم که مشکل ما را حل خواهد کرد. همچنین فراموش نکنید که ما کشوری با ۱۵ همسایه آبی و خاکی هستیم و ظرفیت های فراوانی برای بی اثر ساختن محاصره دریایی داریم؛ بنابراین باور دارم که مردم عزیز ایران نباید چندان نگران تامین کالاهای اساسی در شرایط محاصره دریایی باشند. علاوه بر این، معتقدم اقدامات نظامی آمریکا طی روزهای اخیر نهایتاً به مدت ۲ تا ۳ هفته به طول خواهد انجامید و به گفته کارشناسان خبره به صلاح واشنگتن نیست که در آستانه انتخابات آبان ماه کنگره، وارد یک تقابل نظامی تمام عیار با تهران شود.

در نتیجه معتقدم آمریکایی ها طی هفته های پیش رو به سرمیز مذاکره باز خواهند گشت. البته بازگشت آمریکا به میز مذاکره بستگی به تداوم اعمال قدرت ایران بر تنگه هرمز دارد؛ یعنی ایران باید با قدرت حاکمیت خود را بر تنگه هرمز اعمال کند و در صورت لزوم حتی تنگه باید همین طور بسته و بدون عبور و مرور باقی بماند تا حاکمیت ایران تثبیت شود. خبرهایی از رسانه های گوناگون شنیده ام که گویا ایران در کریدور جنوبی تنگه هرمز (کریدور عمانی-آمریکایی) مین ریزی کرده که اقدام بسیار خوبی است. چراکه راه دور زدن ایران در تنگه هرمز را مسدود می کند. در مجموع معتقدم که پافشاری ایران در اعمال مقتدرانه ترتیبات ایرانی بر تنگه هرمز در کنار استفاده صحیح از اهرم تنگه باب المندب که در کنترل برادران حوثی ما در یمن است می تواند حرف ایران را در مذاکرات به کرسی نشاند و دشمن را مجبور به عقب نشینی از زیاده خواهی هایش کند. فراموش نکنید که اقتصاد جهانی از ۱۰۰ روز جنگ و انسداد تنگه هرمز چه تأثیریاتی پذیرفته و به عنوان مثال، بیش از یک میلیارد بشکه نفت که در حالت عادی وارد چرخه اقتصادی جهان می شده در این مدت نتوانسته از تنگه هرمز عبور کند. در نتیجه با کاهش رشد اقتصادی جهانی مواجهه بوده ایم؛ بنابراین، جهان به آنچه در تنگه هرمز می گذرد حساس است و فراموش نکنید که با ورود به فصل پاییز، اقدامات دفاعی ایران در تنگه تأثیرات بیشتری هم بر سر نوشت اقتصاد جهانی خواهد داشت. برای همین تأکید دارم که اهرم تنگه هرمز را باید محکم نگه داریم و از اهمیت تنگه باب المندب هم غافل نشویم که این دو در کنار یکدیگر تضمین کننده پیروزی ما در برابر دشمن خواهند بود.

حمید حسینی

عضو اتاق بازرگانی

وابستگی بیشتر به واردات برای جبران افت ذخایر

داده‌های تجارت خارجی نفت آمریکا نیز نشان می‌دهد این کشور برای جبران بخشی از فشار موجود بر ذخایر خود همچنان به جریان واردات نفت خام وابسته است. واردات نفت خام آمریکا در هفته منتهی به ۱۰ ژوئیه به‌طور میانگین ۵.۷ میلیون بشکه در روز رسید که نسبت به هفته قبل ۶۰ هزار بشکه در روز افزایش داشته است.
باین حال، میانگین واردات نفت خام آمریکا در چهار هفته گذشته حدود ۵.۵ میلیون بشکه در روز بوده که نسبت به دوره مشابه سال گذشته ۱۲.۲ درصد کاهش نشان می‌دهد. این کاهش واردات در شرایطی رخ داده که مصرف پالایشگاه‌ها در سطح بالایی قرار دارد و می‌تواند فشار بیشتری بر ذخایر داخلی وارد کند.

میانگین واردات خالص نفت خام آمریکا در چهار هفته منتهی به ۱۰ ژوئیه ۱.۶۲۷ میلیون بشکه در روز اعلام شد؛ این رقم در هفته قبل ۱.۳۳۶ میلیون بشکه در روز ود مدت مشابه سال گذشته ۳.۱۰۱ میلیون بشکه در روز بوده است.

در بخش فرآورده نفتی، واردات خالص آمریکا منفی ۶.۱۹۲ میلیون بشکه در روز گزارش شد که نشان می‌دهد صادرات فرآورده‌های نفتی این کشور همچنان بیشتر از واردات آن است. مجموع واردات خالص نفت خام و فرآورده‌های نفتی آمریکا نیز منفی ۴.۵۶۵ میلیون بشکه در روز ثبت شد.

کاهش ذخایر راهبردی؛ محدود شدن حاشیه امنیت انرژی آمریکا

در کنار کاهش ذخایر تجاری، ذخایر راهبردی نفت آمریکا (SPR) نیز بافت همراه بوده است. میزان نفت خام موجود در ذخیره‌سازی راهبردی آمریکا در هفته منتهی به ۱۰ ژوئیه ۳۱۶.۵ میلیون بشکه اعلام شد که نسبت به ۳۱۹.۵ میلیون بشکه در هفته قبل کاهش داشته است. کاهش هم‌زمان ذخایر تجاری و ذخایر راهبردی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا ذخایر راهبردی یکی از ابزارهای دولت آمریکا برای مدیریت شوک‌های عرضه و کنترل نوسانات بازار در شرایط بحرانی محسوب می‌شود.

قیمت نفت بالاتر از سال گذشته؛ بازار جهانی تحت تأثیر شرایط عرضه

در بازار جهانی نیز قیمت نفت افزایش داشته است. قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمیدیت (WTI) در پایانه کوشینگ در تاریخ ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۶ به ۷۲.۴۵ دلار به ازای هر بشکه رسید، در حالی که این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۶۹.۶۳ دلار بوده است.

همچنین قیمت نقدی بنزین معمولی در بازار نیویورک ۲.۹۶۶ دلار در هر گالن، نفت گرمایشی شماره ۲ معادل ۳.۴۴۸ دلار، دیزل، کم‌گوگرد ۲.۵۷۳ دلار و پروپان در مرکز مونت‌بلو ۰.۶۸۲ دلار در هر گالن ثبت شد.

در مجموع، گزارش هفتگی اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می‌دهد بازار نفت این کشور در شرایطی قرار دارد که کاهش ذخایر نفت خام و بنزین، افزایش قیمت سسخت و تداوم فعالیت سنگین پالایشگاه‌ها، فشار بیشتری بر توازن عرضه و تقاضا وارد کرده است.

هرچند افزایش تولید فرآورده‌ها و رشد برخی ذخایر مانند سوخت‌های تقطیری و پروپان بخشی از این فشار را کاهش داده اما افت ذخایر نفت خام به ۴۰۹.۷ میلیون بشکه و قرار گرفتن آن در سطحی پایین‌تر از میانگین پنج‌ساله، می‌تواند در صورت ادامه روند فعلی به کاهش جدی برای بازار انرژی آمریکا تبدیل شود؛ چراکه کاهش ذخایر، توان این کشور برای مقابله با اختلال‌های احتمالی عرضه و کنترل قیمت سوخت در داخل را محدودتر می‌کند.



ذخایر نفت آمریکا به زیر میانگین ۵ ساله سقوط کرد

گزارش

گزارش هفتگی اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) نشان می‌دهد فشار بر ذخایر داخلی، هم‌زمان با افزایش قیمت بنزین و دیزل، می‌تواند حاشیه امنیت عرضه سوخت در بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت جهان را کاهش دهد.

تازه‌ترین گزارش هفتگی اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) نشان می‌دهد بازار نفت این کشور در شرایطی قرار گرفته که کاهش ذخایر تجاری نفت خام و بنزین، در کنار افزایش قیمت سوخت، می‌تواند به یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی بخش انرژی آمریکا تبدیل شود. بر اساس این گزارش، اگرچه پالایشگاه‌های آمریکایی همچنان با ظرفیت بسیار بالا فعالیت می‌کنند و تولید فرآورده‌های نفتی ادامه دارد اما افت ذخایر نفت خام به سطوحی پایین‌تر از میانگین پنج‌ساله، حاشیه امنیت بازار داخلی را کاهش داده است. براساس داده‌های EIA، ذخایر تجاری نفت خام آمریکا بدون احتساب ذخایر راهبردی نفت (SPR) در هفته منتهی به ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۶ با کاهش ۱.۷ میلیون بشکه‌ای نسبت به هفته قبل مواجه شد و به ۴۰۹.۷ میلیون بشکه رسید. این میزان حدود ۶ درصد کمتر از میانگین پنج‌ساله ذخایر نفت خام آمریکا برای این مقطع از سال است؛ موضوعی که نشان می‌دهد سطح ذخایر نفتی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت جهان در حال فاصله گرفتن از شرایط معمول فصلی است. کاهش ذخایر نفت خام در شرایطی رخ داده که پالایشگاه‌های آمریکایی همچنان در بالاترین سطوح فعالیت خود قرار دارند. میزان نفت خام ورودی به پالایشگاه‌ها در هفته منتهی به ۱۰ ژوئیه به‌طور میانگین ۱۷.۱ میلیون بشکه در روز ثبت شد که نسبت به هفته قبل ۹۹ هزار بشکه در روز افزایش داشته است. همچنین پالایشگاه‌های آمریکایی به ۹۶.۲ درصد ظرفیت عملیاتی خود کار کردند؛ نرخی که نشان‌دهنده تقاضای بالا برای خوراک پالایشی و تلاش برای تأمین نیاز بازار داخلی فرآورده‌هاست. تداوم فعالیت

اخبار



روایت فارن پالیسی از عامل شکست زود هنگام توافق ایران و آمریکا

سیدعلی موسوی

یادداشت تفاهم ایران و آمریکا با هدف توقف درگیری و بازگشت کشتیرانی به تنگه هرمز تنظیم شد، اما درباره مهم‌ترین موضوع آن، یعنی حدود نقش ایران در مدیریت عبور کشتی‌ها، تعریف روشنی ارائه نکرد. تهران متن را به‌منزله پذیرش نقش خود در تنظیم تردد هرمز تفسیر کرد و واشنگتن انتظار داشت کشتیرانی بدون نظارت ایران به وضعیت پیش از جنگ بازگردد. ایجاد مسیر جایگزین در امتداد سواحل عمان و واکنش ایران به کشتی‌های استفاده‌کننده از آن، این اختلاف را به ازسرگیری جنگ تبدیل کرد. شتاب دو طرف برای اعلام یک موفقیت دیپلماتیک، تفاهمی ساخت که سازوکار اجرای مشترک و حل اختلاف نداشت و تفسیر متفاوت متن آن به سرعت به شکست آن انجامید. به گزارش مسیر اقتصاد، یادداشت تفاهم ایران و آمریکا قرار بود درگیری نظامی را متوقف کند، محاصره دریایی ایران را پایان دهد و مسیر کشتیرانی در تنگه هرمز را باز کند. باین حال، مهم‌ترین بند این سند به‌گونه‌ای تنظیم شد که هر طرف نتوانست نتیجه‌ای کاملاً متفاوت از آن بگیرد. فارن پالیسی شکست توافق ایران و آمریکا را حاصل بی‌توجهی به جزئیاتی می‌داند که در توافق‌های سیاسی و اقتصادی تعیین‌کننده‌اند.

یک بند یادو تفسیر متفاوت

ایران در متن تفاهم پذیرفته بود برای عبور ایمن و بدون هزینه کشتی‌های تجاری طی ۶۰ روز اقدام کند و تردد را به‌تدریج به سطح پیش از جنگ بازگرداند. در همان بند، از گت‌وگوی ایران و عمان درباره اداره آینده تنگه و خدمات دریایی با توجه به حقوق کشورهای ساحلی سخن گفته شده بود.

این ترکیب مشخص نمی‌کرد که بازگشت کشتیرانی باید تحت چه سازوکاری انجام شود، مسیرهای مجاز را چه نهادی تعیین می‌کند و نقش ایران پس از پایان دوره ۶۰ روزه چه خواهد بود. همچنین معلوم نبود آیا آمریکایی می‌تواند مسیری بیرون از سازوکار موردنظر ایران ایجاد کند یا همه کشتی‌ها باید از ترتیبات مورد توافق تهران و مسقط پیروی کنند. ایران این بند را پذیرش مستقیم خود در مدیریت تردد و مذاکره درباره نظم آینده هرمزی دانست. در مقابل، آمریکا آن را تعهد ایران به بازگرداندن آزادی کشتیرانی بدون دریافت هزینه یا اعمال کنترل سیاسی تفسیر کرد. هر دو طرف می‌توانستند برای دفاع از برداشت خود به بخشی از همان متن استناد کنند.

مسیر عمان اختلاف و آشکار کرد

واشنگتن برای کاهش وابستگی کشتی‌ها به سازوکار ایران، مسیری در نزدیکی سواحل عمان ایجاد کرد. آمریکا این اقدام را اجرای اصل آزادی کشتیرانی می‌دانست؛ اما از دید تهران، مسیر جدید تلاشی برای دور زدن نقشه یوده که متن تفاهم برای ایران در نظر گرفته بود. حمله یا ایجاد اختلال برای کشتی‌های استفاده‌کننده از این مسیر، از نظر آمریکا نقض تفاهم و دلیل ازسرگیری عملیات نظامی بود. رفتار ایران را نمی‌توان بدون توجه به متن مبهم سند، اقدامی کاملاً بی‌ارتباط با توافق دانست؛ زیرا برداشت تهران از بند هرمز، دست‌کم از نظر متنی قابل استدلال بود؛ سندی که باید رفتار دو طرف را محدود می‌کرد، مرز تعهدات را روشن نکردده بود.

درنتیجه، موضوعی که می‌توانست در مرحله تدوین تفاهم حل شود، به مسئله‌ای نظامی تبدیل شد. ایران اقدام آمریکا را نقض نظم مورد توافق دانست و واشنگتن نیز واکنش ایران را نقض آزادی کشتیرانی تلقی کرد.

تفاهم بدون سازوکار حل اختلاف

مشکل سند به ابهام یک عبارت محدود نبود. تفاهم، سازوکار مشخصی برای تفسیر مشترک، نظارت بر اجرا و حل اختلاف‌های احتمالی پیش‌بینی نکرده بود. کمیسیون مشترکی وجود نداشت که درباره مسیر کشتی‌ها تصمیم بگیرد، نقشه مورد توافقی برای آبراه اعلام نشد و روندی برای رسیدگی به ادعای نقض تعهدات تعریف نشده بود.

در شرایطی که اعتماد میان دو طرف بسیار پایین است، چنین خلأهایی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. هر اقدام مبهم می‌تواند به‌عنوان نقض عمدی تفاهم تعبیر شود و طرف مقابل را به واکنش متقابل سوق دهد. یک مرحله‌ای میان «اختلاف در تفسیر» و «بازگشت به جنگ» موجب شد نبود مناقشه حقوقی و اجرایی مستقیماً به ازسرگیری حملات منجر شود. توافق‌های پایدار معمولاً علاوه بر اصول سیاسی، شامل تعریف دقیق تعهدات، ترتیب زمانی اجرا، نهاد ناظر، روش راستی‌آزمایی و سازوکار حل اختلاف‌اند. یادداشت تفاهم ایران و آمریکا وعده‌های سیاسی گسترده‌ای داشت، اما ابزار لازم برای تبدیل آن‌ها به رفتار هماهنگ را فراهم نکرده بود.

شتاب برای اعلام موفقیت دیپلماتیک عامل شکست توافق ایران و آمریکا

فارن پالیسی ریشه این ضعف را در شیوه دیپلماسی دولت ترامپ می‌بیند. کاخ سفید برای اعلام سریع پایان جنگ و ارائه یک دستاورد سیاسی، از پرداختن به اختلاف‌های فنی و حقوقی عبور کرد. نتیجه، متنی بود که در روزهای نخست امکان اعلام آتش بس را فراهم ساخت، اما هنگام اجرا توان مهار اختلاف‌ها را نداشت. پیامد این ناکامی به روابط سیاسی ایران و آمریکا محدود نماند. بازگشت محاصره، کاهش دوباره عبور کشتی‌ها و افزایش نااطمینانی در بازار انرژی، هزینه مستقیم ابهام موجود در متن تفاهم بود. در آبراهی که بخش مهمی از تجارت جهانی نفت و گاز از آن عبور می‌کند، تعریف‌نشدن چند موضوع اجرایی می‌تواند بر قیمت انرژی، بیمه کشتی‌ها و زنجیره‌های تأمین کشورهای مختلف اثر بگذارد.

تجربه تفاهم نشان داد اعلام یک توافق با حل مسئله تفاوت دارد. سندی که مشخص نکند چه کسی، در کدام مسیر و تحت چه قواعدی اختیار دارد، اختلاف را پایان نمی‌دهد و تنها زمان بروز دوباره آن را عقب می‌اندازد. در این مورد، بی‌دقتی در نگارش نه‌تنها تفاهم را بی‌اثر کرد، بلکه هر طرف را متقاعد ساخت که طرف مقابل از ابتدا قصد اجرای توافق را نداشته است.

انسداد هرمز، نفت‌گران و مخارج جنگ، موج

تازه‌ای از تورم و بدهی را از آمریکا؛ اروپا به راه‌انداخته است. جنگی که دونالد ترامپ علیه ایران آغاز کرد، دیگر فقط در آسمان خلیج فارس یا آب‌های دریای عمان جریان ندارد. امتداد این درگیری را اکنون می‌توان در قیمت بنزین جایگاه‌های سوخت آمریکا، قبوض انرژی خانوارهای اروپایی، هزینه حمل‌ونقل در آسیا و حتی نرخ بهره‌ای دید که میلیون‌ها خانوار برای وام مسکن و بدهی‌های خود می‌پردازند.

در ظاهر، میدان جنگ هزاران کیلومتر از شهرهای آمریکا فاصله دارد، اما اقتصاد جهانی این فاصله را به رسمیت نمی‌شناسد. گالی است عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز مختل شود تا چند ساعت بعد قیمت نفت آن به شکل بنزین گران‌تر تورم را به کاهش قدرت خرید به زندگی روزمره مردم راه‌پیدا کند. اکنون با کاهش شدید تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز، عبور نفت‌برت از مرز ۹۰ دلار و نزدیک شدن میانگین قیمت بنزین آمریکا به چهار دلار در هر گالن، نخستین صورت‌حساب اقتصادی دور جدید جنگ به دست مصرف‌کنندگان رسیده است. صورت‌حسابی که برخلاف هزینه‌های رسمی پنتاگون، نمی‌توان آن را پشت عبارت بودجه‌ای و گزارش‌های نظامی پنهان کرد.

هرمز چگونه به سفره مردم جهان متصل می‌شود؟

اهمیت‌تنگه هرمز تنها به موقعیت جغرافیایی آن محدود نیست. این آبراه یکی از مهم‌ترین شریان‌های انتقال نفت و فرآورده‌های انرژی جهان است و در شرایط عادی، حدود یک‌پنجم تجارت نفت دنیا از آن عبور می‌کند. بنابراین هرگونه اختلال در تردد کشتی‌ها، به‌سرعت توان عرضه و تقاضای بازار جهانی را برهم می‌زند. با تشدید درگیری و کاهش عبور نفتکش‌ها، بازار نفتی را که از دسترس خارج شده قیمت‌گذاری نمی‌کند؛ بلکه خطر کمبود احتمالی در هفته‌ها و ماه‌های آینده نیز وارد قیمت‌ها می‌شود. به همین دلیل است که حتی پیش از توقف کامل صادرات، معامله‌گران برای نفت، حمل‌ونقل و بیمه دریایی هزینه بیشتری مطالبه می‌کنند. در چنین شرایطی، نخست قیمت نفت خام افزایش می‌یابد، سپس پالایشگاه‌ها با هزینه بالاتری خوراک موردنیاز خود را تأمین می‌کنند و زنجایات، بنزین، گازوئیل، سوخت هواپیما و محصولات پتروشیمی‌گران‌تر

گسترده پالایشگاه‌ها از یک سو به تأمین سوخت مورد نیاز اقتصاد آمریکا کمک می‌کنند اما از سوی دیگر باعث افزایش برداشت از ذخایر نفت خام شده است. در چهار هفته منتهی به ۱۰ ژوئیه، میانگین نفت خام ورودی به پالایشگاه‌های آمریکا ۱۷.۱۱۳ میلیون بشکه در روز اعلام شد؛ این رقم در چهار هفته منتهی به ۳ ژوئیه ۱۷.۱۱۳ میلیون بشکه در روز و در مدت مشابه سال گذشته ۱۶.۹۸۷ میلیون بشکه در روز بوده است. در همین دوره، نرخ بهره‌برداری پالایشگاه‌ها ۹۶.۲ درصد ثبت شد، در حالی که این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۹۴.۶ درصد بود. تولید بنزین پالایشگاه‌ها نیز در چهار هفته منتهی به ۱۰ ژوئیه به‌طور میانگین ۹.۷۰۸ میلیون بشکه در روز رسید و تولید سوخت‌های تقطیری نیز ۵.۲۱۶ میلیون بشکه در روز گزارش شد.

رشد قیمت سوخت؛ پیامد کاهش ذخایر

هم‌زمان با افت ذخایر نفت خام و بنزین، قیمت سوخت در بازار آمریکا افزایش یافته است. میانگین قیمت خرده‌فروشی بنزین معمولی در آمریکا در ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۶ به ۳.۸۵۵ دلار به ازای هر گالن رسید که نسبت به هفته قبل ۷.۸ سنت افزایش داشت که این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۲۲.۵ سنت بیشتر شده است. بازار دیزل نیز افزایش قیمت قابل توجهی را تجربه کرده است. قیمت خرده‌فروشی سوخت دیزل در همین تاریخ بارشد ۲۱.۸ سنتی نسبت به هفته گذشته به ۴.۷۹۶ دلار در هر گالن رسید. این سطح قیمت، ۱.۰۳۸ دلار بالاتر از رقم ثبت‌شده در مدت مشابه سال گذشته است. افزایش قیمت سوخت در کنار کاهش ذخایر، می‌تواند فشار بیشتری بر هزینه‌های حمل‌ونقل، صنایع وابسته به انرژی و در نهایت مصرف‌کنندگان آمریکایی وارد کند؛ به‌خصوص اگر روند کاهش ذخایر در هفته‌های آینده ادامه‌پیدا کند.

قبض جنگ ترامپ روی میز مردم آمریکا و جهان



نمی‌داد، اساساً به بودجه دفاعی آمریکا تحمیل نمی‌شد؛ از مصرف مهیات و انجام عملیات هوایی گرفته تا تعمیر تجهیزات و بازسازی پایگاه‌های آسیب‌دیده.

بخش بزرگی از این هزینه به مصرف موشک‌ها و سامانه‌های پدافندی مربوط می‌شود. در نبردی که ماهیت آن موشکی و پهپادی است، آمریکا ناچار است برای رهگیری تهدیدهای نسبتاً ارزان از موشک‌هایی استفاده کند که هر فروند آنها میلیون‌ها دلار قیمت دارد. این عدم توازن، یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف اقتصادی جنگ برای واشنگتن است. هنگامی که یک پهپاد چند هزار یا چند ده‌هزار دلاری با یک موشک پدافندی چندمیلیون‌دلاری هدف قرار می‌گیرد، ممکن است عملیات از منظر نظامی موفق ارزیابی شود، اما تراز مالی آن به‌شدت به زیان طرف مدافع است. تکرار این روند، علاوه بر تحمیل هزینه‌فوری، ذخایر راهبردی مهیات جایگزینی آنها فراداده‌های تازه و گران‌تری متعقد کند. پرواز بمب‌افکن‌های B-2، جنگنده‌های F-22 و F-35، هواپیماهای سوخت‌رسان و سامانه‌های هشدار زودهنگام نیز در هر ساعت ده‌ها هزار دلار هزینه دارد. وقتی این پروازها به‌صورت شبانه‌روزی و در مقیاس گسترده انجام شود، هزینه سوخت، استهلاک، تعمیرات و نیروی پشتیبانی به‌سرعت افزایش می‌یابد.

این اقلام در نهایت باید از جایی تأمین شوند. اگر مخارج جنگ در بودجه عادی پیش‌بینی نشده باشد، دولت آمریکا با باید از کنگره بودجه اضطراری بگیرد یا

با انتشار بدهی بیشتر، منابع لازم را فراهم کند. در دولت، هزینه جنگ از حساب پنتاگون خارج و وارد ترازنامه عمومی دولت می‌شود؛ ترازنامه‌ای که بازپرداخت آن بردوش مالیات‌دهندگان فعلی و نسل‌های آینده قرار می‌گیرد.

تورم؛ جبهه‌ای که ترامپ در داخل آمریکا گشود

افزایش هزینه واردات آمریکا در ماه ژوئن ورشد قیمت سوخت‌های وارداتی نشان می‌دهد شوک جنگ در حال انتقال به بخش‌های مختلف اقتصاد این کشور است. افزایش قیمت نفت فقط شاخص انرژی را بالا نمی‌برد، بلکه با فاصله‌ای کوتاه به هزینه تولید، بسته‌بندی و توزیع کالاها نیز سرایت می‌کند.

این اتفاق برای فدرال رزرو اهمیت ویژه‌ای دارد. بانک مرکزی آمریکا طی سال‌های گذشته تلاش کرده‌است تا با افزایش نرخ بهره، تورم را مهار کند. اکنون جهش قیمت انرژی می‌تواند روند کاهش تورم را متوقف سازد و تصمیم برای پایین آوردن نرخ بهره را به تأخیر بیندازد. در چنین سناریویی، فشار جنگ از دو مسیر هم‌زمان به مردم منتقل می‌شود؛ کالاها گران‌تر می‌شوند و هزینه استقراض نیز بالا باقی می‌ماند. خانواری که باید برای مواد غذایی، بنزین و خدمات پول بیشتری بپردازد، هم‌زمان برای وام مسکن، خودرو و بدهی کارت اعتباری بنگاه‌های کوچک آمریکایی نیز از این شرایط در امان نیستند. افزایش هزینه انرژی و حمل‌ونقل، حاشیه سود آنها را کاهش می‌دهد. برخی شرکت‌ها این هزینه را به مصرف‌کننده منتقل می‌کنند و برخی دیگر ناچار

به کاهش استخدام، تعویق سرمایه‌گذاری یا تعدیل نیرو می‌شوند. بنابراین، تداوم جنگ می‌تواند علاوه بر تورم، بازار کار و رشد اقتصادی آمریکا را نیز تحت فشار قرار دهد.

اروپا و انگلیس؛ بازگشت کاوس هزینه زندگی

تبعات بحران هزینه‌های آمریکا بدون‌دومی ماند. خانوارهای اروپایی هنوز از شوک‌های تورمی سال‌های گذشته به‌طور کامل عبور نکرده‌اند و افزایش دوباره قیمت انرژی می‌تواند بحران هزینه زندگی را تشدید کند.

در انگلیس، نشانه‌های فشار مالی بر طبقه متوسط به‌وضوح دیده می‌شود. سهم خانوارهایی که در پرداخت برداشت‌های خود را بانکی دچار مشکل شده‌اند، نسبت به سال ۲۰۲۱ افزایش محسوسی داشته و شمار بدهکاران قبوض انرژی از یک میلیون خانوار عبور کرده‌است.

ورشکستگی بخش‌های شخصی و نکول بدهی‌های بدون وثیقه نیز به سطوح بحرآن‌کننده آید رسیده است. افزایش قیمت نفت و گاز در چنین شرایطی می‌تواند برنامه بانک مرکزی انگلیس برای کاهش نرخ بهره را به تعویق بیندازد. نتیجه، تداوم فشار بر خانوارهایی است که از یک سقب قبوض انرژی و مواد غذایی بیشتری می‌پردازند و از سوی دیگر همچنان با افساط سنگین وام مسکن مواجه‌اند.

اقتصادهای اروپایی نیز به دلیل رشد پایین و محدودیت‌های بودجه‌ای، ظرفیت چندان‌ی برای جبران یک شوک جدید انرژی ندارند. دولت‌ها ممکن است ناچار شوند دوباره به یارانه انرژی و حمایت از تولیدکنندگان انرژی در بازارهای داخلی روی آورند.

آسیب‌پذیری اقتصادهای آسیایی در برابر بحران هرمز حتی بیشتر است. کشورهای بزرگی مانند چین، هند، ژاپن و کره جنوبی بخش قابل‌توجهی از انرژی موردنیاز خود را از منطقه خلیج فارس تأمین می‌کنند. کاهش صادرات یا افزایش هزینه بیمه و حمل‌نفت می‌تواند قیمت تمام‌شده تولید در این کشورها را بالا ببرد. آسیا مرکزپخش بزرگی از تولید صنعتی جهان است. هزینه انرژی در کارخانه‌های آسیایی، دیرپا زود به قیمت کالاها برای مشتریان منتقل می‌شود. به همین دلیل، حتی کشورهایی که نفت خود را مستقیماً از خلیج فارس وارد نمی‌کنند نیز آسیب‌رسان خواهد بود.

گران‌تر تحت تأثیر قرار می‌گیرند.



تمدید خودکار قراردادهای اجاره در دستور کار است

عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفت: اجرای سقف قانونی افزایش اجاره‌بها تنها راهکار موقت برای کنترل بازار است و تا زمانی که عرضه مسکن افزایش نیابد، نمی‌توان انتظار تعادل در بازار اجاره را داشت. حدود یک میلیون واحد نهضت ملی مسکن در دست تکمیل است و اتمام این پروژه‌ها به همکاری بانک‌ها و تأمین زیرساخت‌ها وابسته است.

ابراهیم نجفی، عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی در ارتباط با این که گرانی اجاره‌بها و مشکلات مستاجران در کمیسیون چه پیگیری‌هایی داشته، اظهار داشت: جلسه‌ای در کمیسیون با حضور وزیر راه داشتیم که مشخص شد وزیر راه و شهرسازی در نامه‌ای به سران سه قوه پیشنهاد داده که قراردادهای اجاره به صورت خودکار تمدید شوند و مستاجران برای تمدید، نیازی به مراجعه مجدد به مشاوران املاک نداشته باشند و با این درخواست موافقت نیز شده است. این تمدید خودکار تنها در صورتی انجام نمی‌شود که موجر دلیل موجهی، مانند نیاز به نوسازی ملک، نیاز مالک یا عمل نکردن مستاجر به تعهدات قراردادی داشته باشد. در غیر این صورت، قرارداد اجاره به صورت خودکار تمدید خواهد شد.

وی افزود: میزان افزایش اجاره‌بها نیز بر اساس قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها تعیین می‌شود. مطابق این قانون، شورای عالی مسکن هر سال سقف مجاز افزایش اجاره را برای استان‌ها با توجه به شرایط تورمی مشخص می‌کند و همین ارقام مبنای تمدید قراردادها قرار می‌گیرد. این فرآیند از طریق سامانه‌های «کاتب» و «تم» (املاک) و اسکان) انجام می‌شود و همه مشاوران املاک موظف‌اند قراردادهای تمدیدی را مطابق سقف افزایش ابلاغ‌شده ثبت کنند.

نجفی در پاسخ به این سوال که در عمل این قوانین کمتر اجرایی شوند و مستاجران به دلیل نبود گزینه بهتر ناچار به پذیرش افزایش اجاره هستند، آیا این موضوع و ضمانت اجرای قوانین در کمیسیون بررسی شده است؟ عنوان کرد: با توجه به شرایط فعلی، انعقاد قرارداد خارج از چارچوب قانونی امکان‌پذیر نیست و مشاوران املاک موظف‌اند قراردادها را بر اساس ضوابط ثبت کنند. همچنین در تمدید خودکار قراردادها، مبنای قراردادهای ثبت‌شده قبلی همان ملک است و اطلاعات به صورت شفاف در سامانه وجود دارد. اگر مالک مبلغی بیش از سقف قانونی مطالبه کند، مستاجر می‌تواند آن را نپذیرد. البته با توجه به افزایش قیمت مسکن، طبیعی است که مالکان نیز انتظار افزایش اجاره‌بها را داشته باشند.

قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها سقف مجاز افزایش اجاره را مشخص کرده و دولت نیز در چارچوب این قانون، میزان افزایش را تعیین می‌کند. با این حال، این اقدامات فقط نقش مُسکن را دارند، چراکه بازار مسکن تابع عرضه و تقاضاست و تا زمانی که سرمایه‌گذاری و ساخت‌وساز به میزان کافی افزایش نیابد، نمی‌توان انتظار متعادل شدن قیمت‌ها را داشت.



برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه بانک شهر با حضور بیش از ۷۴ درصدی سهامداران

«بانک شهر» با تأیید قاطع سهامداران کارنامه موفق خود را به ثبت رساند

مجمع عمومی عادی سالیانه بانک شهر برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه ۱۴۰۴ با حضور بیش از ۷۴ درصدی سهامداران حقیقی و حقوقی برگزار شد و عملکرد این بانک با استقبال و حمایت گسترده سهامداران مورد تأیید قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی بانک شهر، این مجمع با حضور نمایندگان بانک مرکزی، ناظر فراپورس و جمع گسترده‌ای از سهامداران برگزار شد. همچنین امکان مشاهده آنلاین این رویداد از طریق پایگاه اینترنتی بانک شهر برای سایر سهامداران فراهم بود تا روند برگزاری مجمع را به صورت زنده دنبال کنند.

در جریان این نشست، گزارش عملکرد سالانه، برنامه‌های راهبردی و مهم‌ترین دستاوردهای بانک در حوزه‌های مختلف تشریح شد. در ادامه نیز صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه ۱۴۰۴، با استناد به گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی، به تصویب اکثریت سهامداران رسید.

بانک شهر طی سال‌های اخیر با اتکا به رویکردی نوین مدیریتی، توسعه خدمات مالی، ارتقای شاخص‌های عملکردی و تمرکز بر افزایش بهره‌وری، جایگاه خود را در میان بانک‌های بورسی کشور بیش از پیش تقویت کرده و دستاوردهای ارزشمندی را در شبکه بانکی به ثبت رسانده است. این بانک در سال مالی ۱۴۰۴ نیز با تمرکز بر صیانت از منافع سهامداران، ضمن رشد ۹۰ درصدی منابع در سال ۱۴۰۴ به نسبت ۱۴۰۳، سودآوری به میزان ۲۹ همت، افزایش سرمایه معادل ۳۷/۵ همت و رسیدن به سرمایه ۲۹ همتی، رشد نزدیک به ۱۰۰ درصدی درآمد‌های کارمزدی و... توانسته است با توسعه خدمات نوین بانکی، بهبود کیفیت خدمت‌رسانی به شهروندان و اجرای برنامه‌های تحول‌محور، روند رشد و توسعه خود را با شتاب بیشتری دنبال کند و عملکردی قابل توجه در شاخص‌های مختلف به نمایش بگذارد.

در پایان این مجمع، سهامداران با قدردانی از عملکرد هیأت‌مدیره و تیم مدیریتی بانک شهر، بر تداوم برنامه‌های توسعه‌ای، تقویت خدمات نوین و حفظ مسیر رو به رشد بانک در سال ۱۴۰۵ تأکید کردند.

■ پنجشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۵ ■ ۸ صفر ۱۴۴۸ ■ ۲۳ July ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۵۱۳

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور ■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



سرنوشت پرونده واگذاری ایران خودرو به کروز در قوه قضائیه چه شد؟

گزارش

خبرگزاری تسنیم در گزارشی نوشت: حدود پنج‌ماه از روزی می‌گذرد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، گزارش کمیسیون صنایع و معادن درباره نحوه واگذاری مدیریت ایران خودرو به شرکت کروز را با استناد به ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس به قوه قضائیه ارجاع دادند؛ گزارشی که در آن از تعارض منافع، ابهام در فرآیند برگزاری مجمع، احتمال تخلف در اجرای آرای شورای رقابت و همچنین ترک فعل برخی دستگاه‌های مسئول، سخن به میان آمده بود. با وجود گذشت چند ماه از این ارجاع، تاکنون گزارشی از نتیجه رسیدگی قضایی به این پرونده منتشر نشده و همچنان این پرسش مطرح است که سرنوشت مطالبه رسمی مجلس درباره واگذاری مدیریت بزرگ‌ترین خودروساز کشور به کروز چه شد؟ گزارش کمیسیون صنایع و معادن پس از چندین جلسه بررسی، استماع اظهارات دستگاه‌های اجرایی، شورای رقابت، سازمان بورس و سایر نهادهای مرتبط، در صحن

علنی مجلس قرائت شد و در نهایت نمایندگان با ۱۸۳ رأی شورا، آن را برای رسیدگی قضایی به قوه قضائیه ارسال کردند.

مجلس درباره واگذاری ایران خودرو به کروز چه گفت؟

بررسی دوباره متن گزارش مجلس نشان می‌دهد که کمیسیون صنایع، اصل خصوصی سازی را محل ایراد قرار نداده، بلکه نحوه واگذاری مدیریت ایران خودرو به شرکت‌های وابسته به کروز را دارای ابهامات متعدد دانسته است. طبق گزارش خبرگزاری تسنیم، در گزارش مجلس آمده است که شرکت تدبیر سرمایه‌آرد و شرکت‌های وابسته به مجموعه کروز با در اختیار داشتن بخشی از سهام ایران خودرو، موفق به حضور در ترکیب هیات‌مدیره این شرکت شده‌اند؛ موضوعی که به اعتقاد کمیسیون یاد شده می‌تواند موجب شکل‌گیری تعارض منافع میان یک قطعه‌ساز بزرگ و بزرگ‌ترین خودروساز کشور شود؛ زیرا در چنین شرایطی، یک تأمین‌کننده قطعات در جایگاه تصمیم‌گیر دربار خرید، قراردادها و سیاست‌های تولید نیز قرار می‌گیرد. کمیسیون صنایع همچنین به آرای شورای رقابت استناد

کرده و یادآور شده بود که این شورا پیش‌تر حضور شرکت‌های وابسته به قطعه‌سازان در هیات‌مدیره ایران خودرو را در صورت ایجاد سلطه بر بازار، مصداق رویه ضد رقابتی دانسته

و بر سلب حق رأی این سهامداران تا اتمام واگذاری سهام تأکید کرده بود. با این وجود، گزارش مجلس این سؤال را مطرح کرده که مجمع انتخاب هیات‌مدیره با چه مستند قانونی برگزار شده و چگونه این محدودیت‌ها در فرآیند رأی‌گیری اعمال نشده است.

ابهام در برگزاری مجمع و اجرای آرای قانونی

یکی دیگر از موه‌های مهم گزارش،

نحوه برگزاری مجمع ایران خودرو بود. کمیسیون صنایع با اشاره به مکانیات دادستانی کل کشور، آرای شورای رقابت و مستندات ارائه شده، نسبت به نحوه احراز حق رأی سهامداران، صدور برگه ورود به مجمع، تشریفات قانونی برگزاری مجمع و انتخاب اعضای هیات‌مدیره ابهام وارد کرده و این موارد را نایم‌زندرسیدگی قضایی دانسته است.

در این گزارش همچنین از عملکرد برخی دستگاه‌های مسئول از جمله وزارت صمت، سازمان بورس و اوراق بهادار، سازمان خصوصی‌سازی و دیگر نهادهای مرتبط نیز انتقاد شده و کمیسیون احتمال داده است که در بخشی از فرآیند، ترک فعل یا قصور در اجرای تکالیف قانونی رخ داده باشد؛ موضوعی که به اعتقاد نمایندگان باید توسط مرجع قضایی بررسی شود.

مطالبه مجلس از قوه قضائیه چه بود؟

نکته قابل توجه آن است که مجلس در جمع‌بندی گزارش، خواستار توقف خصوصی‌سازی یا لغو واگذاری نشده بود؛ بلکه از قوه قضائیه خواست با بررسی دقیق ابعاد پرونده، درباره ابهامات مطرح شده، نحوه اجرای آرای شورای رقابت، احتمال تعارض منافع، ترک فعل دستگاه‌ها و رعایت تشریفات قانونی تعیین تکلیف کند. کمیسیون صنایع در پایان گزارش تصریح کرده بود که در صورت احراز تخلف، اقدامات قانونی لازم برای برخورد با متخلفان، اصلاح فرآیند و اجرای صحیح قانون انجام شود.

پنج‌ماه گذشته: نتیجه بررسی‌ها چه شد؟

اکنون حدود پنج‌ماه از ارجاع رسمی این پرونده به قوه قضائیه می‌گذرد، اما هنوز اطلاع‌رسانی رسمی درباره نتیجه این رسیدگی منتشر نشده است. آیا پرونده همچنان در حال رسیدگی است؟ آیا تحقیقات به پایان رسیده و نتیجه‌ای حاصل شده است؟ اگر تخلفی احراز نشده، نتیجه بررسی‌ای قوه قضائیه چه بوده و اگر تخلفی احراز شده، چه تصمیمی درباره واگذاری مدیریت ایران خودرو به کروز اتخاذ شده است؟ این پرسش‌ها صرفاً مطالبه ۱۸۳ نماینده مجلس نیست؛ بلکه مطالبه مردم، سهامداران و فعالان صنعت خودرو نیز هست. پرونده‌ای که با رأی قاطع مجلس و قضایی ارجاع شده، به‌طور طبیعی انتظار شفاف‌سازی درباره نتیجه رسیدگی را نیز به همراه دارد. اعلام نتیجه این پرونده، فراخ‌از هرنه‌بخشی که به آن منتهی شود، می‌تواند به بسیاری از ابهامات موجود درباره یکی از مهم‌ترین بحث‌برانگیزترین واگذاری‌های صنعت خودروی کشور پایان دهد.

آیا پرونده همچنان در حال رسیدگی است؟ آیا تحقیقات به پایان رسیده و نتیجه‌ای حاصل شده است؟ اگر تخلفی احراز نشده، نتیجه بررسی‌های قوه قضائیه چه بوده و اگر تخلفی احراز شده، چه تصمیمی درباره واگذاری مدیریت ایران خودرو به کروز اتخاذ شده است؟

پارس جنوبی و یارانه مردم، چشم انتظار پرداخت بدهی هلدینگ خلیج فارس

وقتی پتروشیمی‌ها بدهی خوراک را نمی‌پردازند، دولت در تأمین یارانه و کالابرگ دچار مشکل می‌شود.

به گزارش مهر، بدهی انباشته پتروشیمی‌ها به دولت، دیگر فقط یک عدد در صورت‌های مالی یا یک اختلاف حساب میان شرکت‌ها و وزارت نفت نیست؛ این بدهی اکنون به مسئله‌ای مستقیم در زندگی روزمره مردم تبدیل شده است. در شرایطی که برآورده‌از بدهی حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی هلدینگ خلیج فارس به وزارت نفت، عمدتاً بابت خوراک، حکایت دارد، باید پرسید تبعات واقعی این تغلل در پرداخت چیست و چرا این موضوع از سطح یک مناقشه صنعتی فراتر رفته و به معیشت عمومی، بده‌جده کشور و امنیت انرژی ایران گره خورده است.

واقعیت این است که صنعت نفت و گاز ایران امروز در یکی از حساس‌ترین مقاطع خود قرار دارد. زیرساخت‌های فرسوده، نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین، حفظ طبیعی برخی میادین و ضرورت حفظ تولید پایدار، کشور را ناگزیر کرده است که هرچه سریع‌تر منابع مالی لازم برای نوسازی و توسعه را تجهیز کند. برآوردها نشان می‌دهد صنعت نفت برای حفظ توان تولید و بازسازی ساختارهای خود به صدها میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد. در این میان، میدان مشترک پارس جنوبی جایگاهی ویژه دارد؛ میدانی که نه تنها ستون فقرات تأمین گاز کشور است، بلکه امنیت انرژی، تداوم تولید صنعتی و حتی ثبات اقتصادی کشور به آن وابسته است.

اما درست در چنین شرایطی، منابعی که می‌توانست در خدمت بازسازی و توسعه قرار گیرد، در گره بدهی‌های تسویه‌نشده باقی مانده است. هلدینگ خلیج فارس به‌عنوان بزرگ‌ترین مجموعه پتروشیمی کشور و سایر پتروشیمی‌های بدهکار، از یک‌سوز خوراک و ظرفیت‌های ملی استفاده می‌کنند و از سوی دیگر بدهی خود را به‌موقع تسویه نمی‌کنند؛ نتیجه این رفتار، قفل شدن بخشی از منابعی است که باید به چرخه توسعه و تأمین مالی کشور بازگردد. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم بخش مهمی از منابع هدفمندی یارانه‌ها از محل فروش گاز طبیعی تأمین می‌شود. به بیان ساده، درآمدی که دولت از فروش گاز به دست می‌آورد، یکی از پایه‌های اصلی پرداخت یارانه نقدی و اجرای طرح‌های حمایتی مانند کالابرگ است. در این میان، سهم فروش گاز به واحدهای پتروشیمی قابل توجه است. بنابراین وقتی پتروشیمی‌ها، به‌ویژه بدهکاران بزرگ، متوجه دولت را نمی‌پردازند، در عمل یکی از رگ‌های تأمین مالی یارانه مردم را می‌بندند.

این همان نقطه‌ای است که بدهی پتروشیمی‌ها از یک پرونده اقتصادی به یک مسئله اجتماعی و معیشتی تبدیل می‌شود. اگر دولت نتواند مطالبات خود را از محل فروش خوراک و گاز وصول کند، منابع لازم برای پرداخت هدفمندی یارانه‌ها و اجرای طرح کالابرگ با مشکل مواجه می‌شود. در چنین وضعی، دولت با اباید از برخی هزینه‌های ضروری بگاهد، با پرداخت‌های حمایتی را با تأخیر و محدودیت انجام دهد، با باری جبران کمبود تکنیکی به سمت استقراض حرکت کند. هر چه مسیر، هزینه‌زا و نگران‌کننده است، اما تجربه نشان داده که در عمل، فشار اصلی به سمت متحمل‌شوندگ می‌افتد. استقرار صنعتی به سمت متحمل‌شوندگ می‌شود؛ با دولت از بانک مرکزی و شبکه بانکی کمک می‌گیرد، با سرآه منابعی مانند صندوق توسعه ملی می‌رود. استقرار از بانک مرکزی در نهایت به افزایش بایه پولی و رشد تورم منجر می‌شود؛ تئوری که بیش از همه، دهک‌های پایین و مردم مردهی راحت‌فکر را می‌دهد که برنده یارانه و کالبرگ از آنها حمایت کند. استفاده از منابع صندوق توسعه ملی نیز به معنای مصرف منابع بین‌نسلی برای جبران کم‌کاری و بدحسابی بنگاه‌هایی است که باید بدهی خود را بپردازند. در هر دو حالت، این مردم و اقتصاد ملی هستند که هزینه تغلل پتروشیمی‌ها می‌پردازند.



نرخ ارز، هزینه پوشش ریسک را افزایش می‌دهد و بنگاه‌ها را به کوتاه‌مدت‌نگری وادار می‌کند، از این رو، موفقیت سیاست ارزی را نباید فقط با میزان ارز تریق‌شده یا دفاع از یک عدد مشخص سنجید. معیار اصلی باید توان سیاست‌گذار در محدودکردن نوسانات غیرعادی، کاهش نااطمینانی و جلوگیری از انتقال سریع التهاب بازار به بخش واقعی اقتصاد باشد.

تأمین نیازهای واقعی، فشار بازار آزاد را کاهش می‌دهد

مداخله هدفمند در مواقع شکل‌گیری تقاضای هیجانی، تأمین به‌موقع ارز مورد نیاز دارو، کالاهای اساسی و مواد اولیه، تسهیل بازگشت از صادراتی و کوتاه‌کردن فرآیند تخصیص ارز، از جمله اقداماتی است که می‌تواند فشار تقاضای واقعی بر بازار غیررسمی را کاهش دهد. هم‌زمان تأخیر در تأمین ارز واردکننده با تولیدکننده، احتمال مراجعه او به بازار آزاد را افزایش می‌دهد. در این وضعیت، تقاضای واقعی و تجاری به تقاضای احتیاطی و سوداگرانه اضافه می‌شود و کنترل بازار را دشوارتر می‌کند. بنابراین، سرعت واطمینان در تخصیص ارزی می‌تواند خود به یکی از ابزارهای ثبات‌بخشی بازار تبدیل شود. مدیریت بازار همچنین به معنای تفکیک نیازهای واقعی از تقاضاهای غیرمولد است. منابع ارزی باید در درجه نخست برای تأمین نیازهای اساسی، واردات دارو و تجهیزات پزشکی و پاسخ‌گویی به نیازهای ضروری تجارت قرار گیرد. هم‌زمان، سیاست‌گذار باید با ابزارهای نظارتی و تنظیمی، هزینه فعالیت‌های سوداگرانه را افزایش دهد.

اطلاع‌رسانی شفاف: ابزار مهم انتظارات

کنار سیاست‌های ارزی، مدیریت انتظارات نیز به اندازه مداخله در بازار اهمیت دارد. انتشار اطلاعات روشن درباره وضعیت تأمین کالا، روند بازگشت از صادراتی و برنامه سیاست‌گذار برای پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی می‌تواند از تبدیل نگرانی عمومی به موج خرید جلوگیری کند. اطلاع‌رسانی متناقض یا وعده‌هایی که زمان و سازوکار اجرای آنها مشخص نیست، نته‌تها التهاب را کاهش نمی‌دهد، بلکه ممکن است فعالان اقتصادی نیز به ابهام‌های نسبت به آینده نگران شوند. بازار در روزهای بحرانی به پیام‌های هماهنگ، تصمیم‌های قابل پیش‌بینی و نشانه‌های روشن از حضور مؤثر سیاست‌گذار نیاز دارد. اعلام سیاست‌هایی که قابلیت اجرا و سنجش دارند، بیش از وعده تثبیت یک نرخ مشخص به آرامش بازار کمک می‌کند. فعالان اقتصادی باید بداند از مورد نیاز خود را از چه مسیری، در چه زمانی و بر اساس چه ضابطه‌ای دریافت خواهند کرد. همین پیش‌بینی‌پذیری می‌تواند بخشی از تقاضای احتیاطی را کاهش دهد.

در واقع، افزایش نرخ ارز طی هفته‌های اخیر بیش از آنکه ناشی از رشد تقاضای واقعی باشد، تحت تأثیر افزایش تقاضای سفته‌بازانه و انتظارات تورمی است. وی افزود: هرچند به دلیل محدودیت‌های اقتصادی و کاهش حجم واردات، تقاضای واقعی از نسبت به گذشته کاهش یافته است، اما افزایش انتظارات تورمی موجب شده نرخ ارز وارد کاتال‌های بالاتر شود.

ضرورت مدیریت منابع کنار کنترل نوسانات

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه وظیفه بانک مرکزی درآمدهایی از بازار نیست، گفت: بانک مرکزی دارای منابع و مصارف ارزی است و در شرایط عادی می‌تواند با استفاده از منابع خود نوسانات بازار را مدیریت کند. اما زمانی که انگیزه‌های سوداگری به شدت افزایش می‌یابد، مداخله گسترده در بازار می‌تواند منابع ارزی بانک مرکزی را با فشار جدی مواجه کند. وی ادامه داد: انتظار تثبیت کامل نرخ ارز از سوی بانک مرکزی واقع‌بینانه نیست. کشورهایی که نظام ارزی ثابت دارند، مانند برخی کشورهای عربی، از منابع ارزی بسیار گسترده‌ای برخوردارند و عرضه در آنها چندین برابر تقاضاست؛ بنابراین امکان حفظ نرخ ثابت ارز دارند، اما چنین شرایطی در اقتصاد ایران وجود ندارد. صفاری در پایان با تأکید بر اینکه بانک مرکزی ناگهون مدیریت مناسبی بر بازار ارز نداشته است، اظهار کرد: در شرایط جنگی، حفظ و مدیریت منابع ارزی اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند و بانک مرکزی باید با اولویت صیانت از ذخایر ارزی، از هدررفت این منابع در برابر تقاضاهای سفته‌بازانه جلوگیری کند.

صیانت از منابع، مکمل مدیریت فعال بازار است

برآیند شرایط بازار نشان می‌دهد صیانت از منابع ارزی و مدیریت فعال بازار، دو هدف متعارض نیستند. بانک مرکزی می‌تواند بدون پذیرش تعهد نامحدود برای تثبیت یک نرخ مشخص، از ابزارهای خود برای کنترل نوسانات، پاسخ به نیازهای واقعی و جلوگیری از شکل‌گیری جهش‌های هیجانی استفاده کند. کارشناس اقتصادی با بیان اینکه وظیفه بانک مرکزی درآمدهایی از بازار نیست، گفت: بانک مرکزی دارای منابع و مصارف ارزی است و در شرایط عادی می‌تواند با استفاده از منابع خود نوسانات بازار را مدیریت کند. اما زمانی که انگیزه‌های سوداگری به شدت افزایش می‌یابد، مداخله گسترده در بازار می‌تواند منابع ارزی بانک مرکزی را با فشار جدی مواجه کند. وی ادامه داد: انتظار تثبیت کامل نرخ ارز از سوی بانک مرکزی واقع‌بینانه نیست. کشورهایی که نظام ارزی ثابت دارند، مانند برخی کشورهای عربی، از منابع ارزی بسیار گسترده‌ای برخوردارند و عرضه در آنها چندین برابر تقاضاست؛ بنابراین امکان حفظ نرخ ثابت ارز دارند، اما چنین شرایطی در اقتصاد ایران وجود ندارد. صفاری در پایان با تأکید بر اینکه بانک مرکزی ناگهون مدیریت مناسبی بر بازار ارز نداشته است، اظهار کرد: در شرایط جنگی، حفظ و مدیریت منابع ارزی اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند و بانک مرکزی باید با اولویت صیانت از ذخایر ارزی، از هدررفت این منابع در برابر تقاضاهای سفته‌بازانه جلوگیری کند.

بنابراین، سرعت واطمینان در تخصیص ارزی می‌تواند خود به یکی از ابزارهای ثبات‌بخشی بازار تبدیل شود. مدیریت بازار همچنین به معنای تفکیک نیازهای واقعی از تقاضاهای غیرمولد است. منابع ارزی باید در درجه نخست برای تأمین نیازهای اساسی، واردات دارو و تجهیزات پزشکی و پاسخ‌گویی به نیازهای ضروری تجارت قرار گیرد. هم‌زمان، سیاست‌گذار باید با ابزارهای نظارتی و تنظیمی، هزینه فعالیت‌های سوداگرانه را افزایش دهد.

نوسانات بازار از تنها رفتار خریداران توضیح داده نمی‌شود. میزان دسترسی به درآمدهای صادراتی، سرعت بازگشت ارز، هزینه نقل و انتقال پول، وضعیت تجارت خارجی، سیاست‌های بودجه‌ای و رشد نقدینگی نیز بر عرضه و تقاضای ارز اثر می‌گذرند. با این حال، در دوره‌های بحرانی معمولاً وزن انتظارات و رفتارهای هیجانی افزایش می‌یابد و بازار با سرعت بیشتری به اخبار، شایعات و برآوردهای آینده واکنش نشان می‌دهد.

در چنین شرایطی، غیبت سیاست‌گذار با تأخیر در مداخله می‌تواند به فعالان بازار این پیام را منتقل کند که نرخ ارز فاقد محوده‌قابل مدیریت است. این برداشت، تقاضای احتیاطی را افزایش می‌دهد و حتی کسانی را که نیاز فوری به ارز ندارند، برای حفظ ارزش دارایی‌های خود به سمت بازار سوق می‌دهد. از سوی دیگر، مداخله گسترده و بدون توجه به منشأ تقاضا نیز ممکن است به صرف منابع منجر شود، بدون آنکه آرامش پایداری در بازار ایجاد کند. بنابراین مسئله اصلی، انتخاب میان مداخله و عدم مداخله نیست؛ بلکه چگونگی مداخله مؤثر، به‌موقع و هدفمند برای ایجاد ثبات نسبی در بازار است.

انتظارات تورمی چگونه تقاضای ارز را افزایش می‌دهد؟ مصطفی صفاری، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، با اشاره به افزایش نرخ ارز در هفته‌های اخیر، اظهار کرد: بازار ارز مانند بازار دیگری از دو بخش عرضه و تقاضا تشکیل شده است. در بخش تقاضا، واردات کالا و خدمات بیشترین سهم را دارد که شامل واردات رسمی و غیررسمی می‌شود. وی افزود: علاوه بر این، بخشی از تقاضای ارز نیز به تقاضای سوداگری اختصاص دارد؛ به این معنا که در دوره‌های افزایش تورم، افراد برای حفظ ارزش دارایی‌های خود، منابع ریالی خود را به ارز تبدیل می‌کنند. صفاری گفت: در سمت عرضه نیز درآمد‌های حاصل از صادرات کالا و خدمات، از جمله صادرات نفت، محصولات پتروشیمی، فولاد و سایر کالاهای صادراتی قرار دارد. هر زمان که میان عرضه و تقاضا عدم تعادل ایجاد شود، بازار ارز با نوسان مواجه خواهد شد. وی با اشاره به شرایط کنونی کشور، بیان کرد: در بچران حاضر، تقاضای ارزی بسیار بیشتر از عرضه است. این تقاضای ارزی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: تقاضای احتیاطی و تقاضای هیجانی. تقاضای احتیاطی، بخشی از تقاضای ارزی است که به دلیل نیازهای اساسی، واردات دارو و تجهیزات پزشکی و پاسخ‌گویی به نیازهای ضروری تجارت قرار دارد. تقاضای هیجانی، بخشی از تقاضای ارزی است که به دلیل نگرانی عمومی از آینده، به دنبال خرید ارز است. تقاضای هیجانی، تقاضایی است که به دلیل نگرانی عمومی از آینده، به دنبال خرید ارز است. تقاضای هیجانی، تقاضایی است که به دلیل نگرانی عمومی از آینده، به دنبال خرید ارز است.